

جلسه ۸۵

صورت مشروح

مجلس یوم سه شنبه سوم

قوس سنه

۱۳۰۳ مطابق بیست

و هفتم ربیع الثانی سنه

۱۳۴۳

(مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید)

(صورت مجلس یوم یکشنبه اول قوس را آقای آقا میرزا جواد خان قرائت نمودند)

رئیس - نسبت بصورت جلسه ایرادی هست یا نه؟

(ایرادی نبود)

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع به بودجه کل مملکتی مطرح است.

در جلسه گذشته بکفایت مذاکرات رأی گرفته شد

حالا باید رأی گرفته شود که داخل در شور مواد بشویم یا نه

آقایانیکه که ورود بشور در مواد را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

ماده اول

(اینطور خوانده شد)

مجلس شورای ملی

بودجه ۱۳۰۳ را بشرح ذیل تصویب می نماید.

فصل اول هایدات پیش بینی شده

رئیس - ماده اول باید تجزیه شود و در ماده بشود یکی راجع به جمع یکی راجع به خرج چون رأی که مجلس می

دهد بمواد است نه به تفصیل پس جمع باید دوماده اول نوشته شود و خرج در ماده دوم

باید همین خود پیشنهاد شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

عماد السلطنه مخبر - بلی صحیح است همین طور پیش نهاد می

کنم.

رئیس - آقای دامغانی.

(اجازه)

(غائب بودند)

رئیس - آقای شیروانی

(اجازه)

این اسامی که خوانده می شود در تاریخ بیست و یکم عقرب ثبت شده.

شیروانی - البته مقصود بنده

احتجاج و لجاجت در قضایا و بودجه مملکتی نیست بلکه می خواهم بالاخره یک حقایق

گفته شود.

اگر حقیقتاً اکثریت آقایان نمایندگان موافقت فرمایند که از همین جا که بودجه را شروع میکنیم یک قدم هائی برای اصلاح مملکت برداریم خیلی مفید خواهد بود

پریروز هم عرض کردم عقاید مختلف است. بعضی ها معتقدند که اصلاحات را باید یکی یکی در موقع خودش شروع کرد ولی بنده معتقدم که قبل از اصلاح بودجه هیچ اصلاحی را ممکن نیست شروع کرد

بنابر این عقیده که دارم راجع به بودجه همیشه بیشتر صحبت کرده ام آقایان هم می دانند که بنده هیچوقت شہوت کلام نداشته ام و شاید در ظرف این هفت هشت ماه سوم یا چهارمین مرتبه باشد که بنده صحبت کرده ام

مغیر محترم پریروز سعی فرمودند که در تمام مذاکرات بنده یک نکات مخصوصی را یادداشت کنند که اگر فرضاً بنده یکی از اقلام را زیادتر یا کمتر اظهار کردم آن قسمت را بگیرند و جواب بدهند مثلاً در صدیک حقوق که ششماه از سال گذشته است و کسری نمایند

از حقوق بنده و ایشان هم کسر کرده اند آقای مغیر فرمودند ما در اینجا یک ماده نوشته ایم که شش ماه دیگر را کسر نمایند

در صورتی که تا حالا که این بودجه تصویب نشده صدیک حقوق را کسر کرده اند و این یک پولی است که بعنوان مالیات گرفته شده

در صورتی که مجلس تصویب نکرده است همچنین راجع به خرابی مالیات در جواب بنده فرمودند آن اندازه ها نیست بنده نمی دانم چرا آن اندازه ها نیست تصور میکنم که ایشان چون یکی از مطلبین مالیات هستند اینطور حقیقتاً را انکار می نمایند

یکی از قسمتها می خواهم مثل بزم راجع به مالیات هائی که بزور از مردم می گیرند مالیات ابرقواست

ابرقوا در دوره چهارم از اصفهان مجزی و جزو یزد شد متأسفانه هنوز معمول است علاوه بر مالیات های دیوانی یک تومانی ۱۰ شاهی هم از یزد می گیرند. موقعی که مستشاران آمریکائی را که آوردیم تا اصلاح کنند این تومانی ده شاهی را جزو مالیات بر خلاف قانون می گرفتند.

ابرقوا از اصفهان مجزا شد و موقعی که جزو اصفهان بود تومانی ده شاهی از آنجا نمی گرفتند و حالا که جزو یزد شده است از آنجا می گیرند

آنوقت که جزو اصفهان بود سرباز میداد حالا هم که جزو یزد شده است باز بابت اصفهان سرباز از آنجا می گیرند تومانی ۱۰

شاهی اجعاف مالیه را هم بابت یزد از آنجا می گیرند. یک مطلبی که تقریباً ۱۱ هزار تومان مالیات داشته است ۱۳ هزار تومان هم بابت سرباز گیری از شان گرفته اند آن وقت می فرمایند خرابی مالیات اینطور ها نیست بنده عرض می کنم بیش از آنچه که پریروز گفتم در اخذ مالیات اجعاف میشود. بنده تصور میکنم این قضایا باید گفته شود

الان بنده جزو اخبار خواندم و شاید اغلب آقایان هم خوانده باشند خبر می دهند که امین مالیه کرمان یکمتر به ۹۰ هزار تومان اختلاس می کند این چه چیز است؟

در این موقع دنیا بود هزار تومان یک امین مالیه اختلاس میکند؟

دیروز در همین ساوه پشت طهران امین مالیه چهار پنج هزار تومان اختلاس کرد.

و صد و پنجاه خروار جنس مفقود شد مول را هنوز در مدلیه دارند محاکمه میکنند و صد هزار تومان از مالیه اختلاس کرده است

ثابت هم شده آن وقت میفرمایند این طور نیست

بنده تعجب میکنم پس خرابی چیست این قبیل مسائل را اگر بخواهیم بگوئیم دهر و طول میکشد

از این طرف مملکت تا آن طرف مملکت را باید گفت محض این بود که عرض کردم باید قلم نه رویش کشید چون همه جا خراب است یکجا دوجا نیست این هائی که عرض کردم برای نمونه بود که آقایان از یکی دو تایش اطلاع پیدا کنند و همانطور که پریروز عرض کردم کیفای آقایان شاهد است

تلگرافی که هر روز از ولایات میرسد شاهد است. عرض کردم میگویند نظامی بفرستید مالیات را بگیرد و امین مالیه نیاید.

در صورت بنده پریروز اینجای ریاضی کردم امروز هم درستون عایدات ریاضی خود را تکرار میکنم. این مالیات مستقیم که اسم برده شده سه میلیون و هفتصد و بیست و پنج هزار تومان. دو برابر بلکه سه برابر از محل میگیرند و ثلث آنچه که گرفته میشود جزو جمع میآورند این را هم برخلاف اصول میگیرند.

بنده مکرر عرض کردم و سایرین هم گفته اند این طریق مالیات گرفتن بالاخره مملکت را معدوم میکند. مملکت باید مالیاتش اصلاح شود و تا مالیات اصلاح نشود هیچ اصلاح دیگری نمیشود دست زد کمیسیون اقتصادی درست بشود. بیش

نهادات خوب آقایان بدهند. بموقع پول که میرسد بمشکلات بر میخورند. مثلاً برای طبع و ترجمه کتب بالاخره در اینجا چه گفته شد، گفته شد بودجه مملکت کفایت نمیکند.

پس اول باید بودجه را طوری نوشت که برای این قبیل مسائل و پیشنهادات مفیدی که در مجلس میشود کفایت بکند و الا باین طریق ممکن نیست مالیه مملکت اصلاح شود.

خالصجات. راجع به خالصجات و مخارج انتفاعی پریروز آقای تدین اینجا یک صحبتی فرمودند که تقریباً سیصد و پنجاه هزار تومان مخارج انتفاعی راجع به خالصجات است که خرج خالصات می شود.

یک اداره خالصجات هم در اینجا داریم که تصور میکنم سیصد و چهارصد هزار تومان بودجه اش باشد و اگر بنده زیاد افراق نگفته باشم تقریباً نصف بودجه وزارت خارجه بودجه این اداره است.

سیصد و پنجاه هزار تومان هم مخارج انتفاعی است آنوقت عایدش یک کروو است و برابر عایدش خرج میکنند برای خالصجات. اسمش را هم میگذاریم مخارج انتفاعی.

این یک قسمت از عائدی ما است!!! یک قسمت مهم عایدی ما که بنده معتقدم باید در آن باب حتماً مذاکره بشود عایدات نفت جنوب است و مافقط میبینیم یک ارقامی در اینجا با اسم عایدات نفت نوشته شده.

بنده که نمیدانم (شاید سایر آقایان مطلع باشند) آیا این ارقام صحیح است یا نیست؟ و تصور میکنم یک شعبه مخصوصی هم برای برای رسیدگی باین عایدی می م مملکتی نباشد.

اگر مایک کمیسیون معین کرده ایم و رفته است در لندن نشسته بنده که در بودجه دولت در راپورت د کتر میلیسیو در جراید با مضای کمیسیون نفت ایران چیزی ندیده ام که عایدات حقیقی دولت ایران را معین کرده باشد و به دفاتر این اداره مهم رسیدگی کرده باشد.

شرکاء این نفت از جاهای دیگر دنیا برای رسیدگی باین منبع عایدی خودشان در صورتیکه یکی یک سهم تری جیبشان است چه دقت هائی می کنند می خوانند در جراید دیروز نوشته بود که یک عده از شرکاء از جاهای دور دست با مخارج زیاد حرکت کرده با کشتی های مخصوص آمده اند تادر سر معادن و چاه های نفت رسیدگی کنند و ببینند عایدی آن چه چه بوده است ولی ما که صاحب حقیقی آن هستیم هنوز نمیدانیم مالیه مملکت ما که مسئول هواد این مملکت ماست نمیدانند که آیا سهم ما از نفت جنوب حقیقتاً در سال همیشه قدری است که نوشته شده یا خیر؟

پیش از بنده اطلاع داشته باشند بسیار خوب ولی این تفسیر و تعبیر علمی کلمه بودجه نیست و برعکس اگر چندماه دیگر از سال گذشته بود و این لایحه را آورد بود به مجلس این تفسیر شاید شامل حال تفریغ بودجه میشدند شامل خود بودجه.

کلمه بودجه چون خیلی مصطلح است و در واقع يك صورت بین المللی دارد و در تمام نقاط دنیا این مسئله هست و این کلمه معمول است البته نسبت بهفاد مفهوم این کلمه ما باید قانع بشویم بآن چیزهایی که آنها ذکر کرده اند و از خودمان دیگر تصرفاتی نکنیم بودجه مخصوصاً برای اینکه این کلمه اطلاق به آن شود محتاج باین است که صفات خاصی را دارا باشد اگر يك صفاتی را دارا نباشد این کلمه غلط است و در عمل تطبیق نمی کند.

من جمله بودجه بالاخصاص یعنی پیش بینی مخارج و عواید به اینکه خود مخارج و عواید در دستون نوشته شود این بودجه نیست بودجه یعنی پیش بینی مخارج و عواید از همین نقطه نظر است که اگر رجوع بفرماند بقانون مخصوص قانون گذاری پیش بینی کرده که باید شش ماه یا آخر سال مانده بودجه سوانی را دولت تهیه کند و بمجلس بیاورد البته خود این مستلزم این است که يك عواید و مخارج و اقلامی پیش بینی شود.

علاوه بر مسئله پیش بینی يك مسئله دیگری که بازم برای تفسیر و تعریف کامل آن لازم است این است که باید این پیش بینی بصورت مقام صلاحیت داری هم رسیده باشد آن مقام صلاحیت دار هم مجلس شورای ملی است.

نماینده گان ملت بالاخصاص از وظایف مهمه و تفصیلی که دارند.

این است که دخل و خرج مملکت را رسیدگی نمایند و اظهار عقیده بنمایند.

این معنی که در مملکتی که اصول آن روی پایه حکومت شوروی است هیچکس حق ندارد هیچ عنوان از کسی مطالبه دیناری بکند مگر اینکه آن شخص بمیل خود آن آن وجه را بدهد.

چطور؟ نه اینکه از مردم ببرند شما این پول را میل دارید بدهید؟

خیر باین صورت درآمده است که باید نماینده گان ملت در مجلس شورای ملی تصویب بکنند

وقتی که تصویب کرده اند البته رضایت آن ملت و افراد فراهم شده است علاوه باز هم برای تکمیل تعریف و تفسیر کلمه بودجه باید محدود باشد بیک حدود معینی و آن سنه مالیه.

معروف است در مملکت ما هم این

اصطلاح هست در قانون دیوان محاسبات عمومی این مسئله مصطلح است که مخصوصاً می گویند سنه مالیه.

سنه مالیه يك سنه است که دوازده ماه است و این لازم نیست که حتماً از اول حمل برود تا آخر حوت.

مثلاً در اکثر ممالك يك صورت های خاصی دارد از فلان ماه شروع می شود و مدت دوازده ماه طول می کشد تا بهمان ماه برسد و اگر باین ترتیب که عرض کردم آقایان معتقد و قائل بشوند این تعریف و تفسیر کلمه بودجه است.

یکی از همکاران محترم در ضمن مخالفت مکرر فرمودند (شاید اشاره شان هم بخود بنده بوده است) که آیا این بودجه علمی است و آیا آگاهی که موافقت کردند از نقطه نظر علمی موافقت کردند؟ خیر.

باین تعریف و تفسیری که خود بنده کردم این يك چیزی است شبیه بودجه خود بنده هم که تفسیر کردم برای این بود که يك اختلافی در مفهوم و معنی نباشد ولی بنده چرا موافقم؟ علت موافقت خودم را باید عرض کنم.

اولاً مخالفت کردن با قانون در این مملکت سهل است زیرا ادارات ماهنوز آن رشد را پیدا نکردند.

قانون نویسان خیلی اشتباه میکنند در قوانینی که بمجلس مانتدیم میشود.

در اکثر مواد آنها می شود اعتراضات خیلی جدی و علمی کرد که هیچکس هم نتواند جواب بدهد ولی به پیشین بر فرض ما از این نقطه نظر که این بودجه شبیه نیست بودجه های ممالك دیگر یا اینکه خیر يك نواقصی دارد و تصویب نکنیم و آن را رد کنیم.

بسیار خوب بنده هم باین اصل اساس شریک می شوم خوب این بودجه را رد کردیم تازه چه خواهد شد؟ چه صورتی در عمل پیدا می کند؟

آن روز آقای وزیر مالیه قسمتی از اظهاراتشان این بود که ما در نظر نداریم کسی را گول بزنیم هر چه هست جمع و خرجی تهیه کرده ایم آوردیم بمجلس.

بنده هم میخواهم از طرف خودم يك چیزی علاوه کنم با اظهارات آقای وزیر مالیه و آن این است که آقا نه فقط نظرشان اساسی بودجه را تقدیم کنند بلکه بنده عرض می کنم که غیر از این صورتی که اینجا در بودجه نوشته شده و تقدیم شده است بهتر از این صورت قادر نیستند یعنی نمی توانند و اجزاء بقدر کافی یعنی اجزائی که بتوانند تنظیم يك بودجه مرتبی بنمایند ندارند.

و بودجه که موافق آمار و آرزوی ما است آنرا نمی توانند تهیه نمایند دلائل و مدارک هم برای این عرض دارم.

بنده در دو ماه قبل از این در آذربایجان

بودم در آن تاریخ از طرف رئیس کل مالیه و وزارت مالیه يك متحد المال هائی صادر شده بود بولایات و از آنجا يك صورتی خواسته بودند برای تنظیم بودجه.

همین بودجه ای که الان هشت ماه از سال میگذرد و تقدیم کرده اند.

دوماً باخر سال گذشته باقی مانده مسائل و اقلامی را که لازم است برای تنظیم بودجه آن وقت از بولایات خواسته بودند ولی در همان موقع بنده خودم در يك قسمت که مخصوصاً دعوت شده بودم و شرکت کرده بودم میدیدم که بچه مشکلات عمده و اساسی بر میخورند.

بنده تصور می کنم که اگر بنا بود در يك مملکت دیگری هم که از نقطه نظر جغرافیائی و عدم طرق ارتباطی و بطوع جریان کارها يك شباهتی بمملکت ما پیدا می خواستند تنظیم بودجه کنند.

در آن ممالك هم جریان بودجه همین طور میشد و هیچ شباهت دیگری جز باین بودجه نمیکرد.

بعلاوه این بودجه که وزارت مالیه آورده است و تقدیم مجلس می کند باید در کمیسیون مورد مذاقه واقع شود و در آنجا نسبت باقلام آن حقاً ادراتی شود و توضیحاتی بخواهند.

اما اینکه وزارت مالیه هم موفق نمیشود بطوری که آقایان میل دارند يك توضیحات جامع و کاملی بدهند و این است که وزارت مالیه خودش يك اطلاعات کاملی ندارد و مجبور است مراجعه کند بولایات دور دست و آن بولایات هم از آن کار خودشان مجبورند گاهی از جاهای دور تر و بعید تر ی اطلاعاتی تحصیل کنند.

این اطلاعات هم به همین سهلی و سادگی که اینجا بیان میشود که تحصیل نمیشود.

این اطلاعات ماهها طول میکشد بلکه از ماهها هم میگذرد.

وقتی هم که میرسد تازه آن امین مالیه آن تحصیل دار بلوک آن امین مالیه خودش نفهمیده است و نمیشود گفت چون او هنوز سؤال شماران نفهمیده است که مقصود چه بوده فوراً او را بیرون کنند و اگر بیرون کردند کی را بجای او بگذارند؟

آن وقت چون نفهمیده است مجدداً رئیس مالیه محل از آن مرکز توضیحاتی میدهد که مقصود از این سؤال این بود باز چند ماهی میگذرد و يك اقلامی میفرستند باز هم بمطابق آن سؤال بوده است یا همین که آمد بعمل تردید میشود بعد از آنجا اطلاعات را جمع می کنند می نویسند بر مکنز.

در وزارت مالیه هم آنها را حلاجی میکنند در خود وزارت مالیه در شعبه هائی که باید مطرح میشود باز شاید بعضی از این اقلام را نفهمند مجدداً باید تکرار کنند و این مسئله که بنده عرض کردم چندین بار تکرار میشود و چندین ماه طول میکشد آنوقت بمجلس هم که آمد

آقایان میفرمایند بودجه را تصویب نکنید این بودجه قابل تصویب نیست البته حمله و ایراد و انتقاد خیلی سهل است همه شریکند میگویند به به و احسن همیشه برای آنکسی است که تنقید میکند.

همکار محترم بنده آقای شروانی البته ایشان بمناسبت جریده نگاری خیلی استاد و زبردست در این کار هستند ولی بنده هم بسهم خود میتوانم تنقید بکنم.

اگر بنده هم تنقید کنم ایشان از همه نوی تر خواهند گفت احسن ولی بنده طالب آن احسن نیستم و میخواهم ببینم جنبه عملی چیست.

رجوع کنید بممالك دیگر ببینید در فرانسه در آلمان در انگلستان که هفتصد سال است بودجه می نویسند بودجه چطور است.

بنده عرض میکنم شمارا چه فرماید بتاریخ بودجه تاریخ بودجه شما از سنه تنگ و تیل شروع میشود.

بنده خودم در دوره چهاری که عضویت مجلس را داشتم خاطر دارم و آقایان هم البته در نظر دارند و در آخر سنه تنگ و تیل بود که آمدند بودجه تفصیلی سنه ایت تیل را آوردند و مخصوصاً از همکاران مایک اعتراضی يك مخارجی و يك اتومبیلی که وزارت خارجه خریده بود و مخصوصاً مارای ندایم ورد کردیم چه شد؟ آقای وزیر یا کفیل یا معاون آمدند توضیح دادند که در چه زمان در دو سال.

هیچده ما قبل يك اتومبیلی ضرورت پیدا کرده بود برای وزارت خارجه خریده خوب در نیامد فروختند یکی دیگر خریدند.

بالاخره مارای ندایم و رد کردیم ولی هنوز می بینم که آن اتومبیل در کار است و وزارت خارجه يك اتومبیلی دارد در صورتی که مایک رای مخصوصی برای خرید اتومبیل بوزارت خارجه نداده بودیم.

پس در واقع اگر فقط از نقطه نظر انتقاد میخواهم مباحثات کنیم و مذاکرات خود را فقط انتقاد قرار بدهیم خیلی سهل است.

همه هم شریک میشوند. اشکالی هم ندارد.

مقاسفانه نه مخیر محترم نه رئیس محترم کمیسیون بودجه هم نمیتوانند بیایند اینجا و بگویند بودجه از این بهتر نمیشود خیر این بودجه خیلی نواقص دارد ولی جنبه عملی آن را باید ملاحظه کنیم.

شالین قوانینی که وضع شده است در این چند ساله در ادوار مختلفه ملاحظه بفرمایند که اگر بنده از همکار خودم بپرسم که چرا این تأثیرات را در عدم اجرای قانون تشکیلات وزارت داخله که متجاوز از چهارصد ماده است اظهار تنفیص نمائید؟ خواهند فرمود.

بنده عرض میکنم قانون نوشته شده است برای تشکیلات وزارت داخله چهار صد ماده هم دارد و عقیده ام این است که يك قسمتی از آقایان آن چهار صد ماده را مطالعه نکرده اند.

خود آقای شروانی هم شاید نخوانده باشند (تردید دارم) قانون محاسبات که یکی از قوانین خیلی عمده و بهترین قوانینی است که بعقیده بنده وضع شده و قابل اجراء هم هست و از نقطه نظر جنبه علمی هم اگر بسنجیم باز قابل اجراء است.

قانون تشکیل انجمن های ایالتی و انجمن های بلدی چرا اجراء نشده است؟ همین اندازه که یکی از ماها سه ماه يك مرتبه یا شش ماه يك مرتبه هوس میکنیم میگویم انجمن های بلدی ما تعطیل است و اكفا میکنیم یا میگویم فلان قانون چرا اجراء نشده است کافی است؟

چرا بیش از این مانباید مرا بباشیم که قوانین اجراء بشود؟

پس در واقع اگر از نقطه نظر جنبه علمی مقایسه کنیم می بینیم که این قانون بودجه خیلی خوب است و خیلی ما باید شاگرد باشیم که در دوره پنجم والان که چهار ماه تا آخر سال مانده است این لایحه را آوردند اینجا و جمع و خرج مملکت را تشخیص داده اند اگر تصور میفرمائید که در دوره ششم بهتر خواهد بود بنده عرض می کنم دوره ششم و هفتم هم همینطور است.

بعضی از نمایندگان (با همه) صحیح است.

محمود ولی میرزا بلی صحیح است.

این مطلب غیر عملی است برای اینکه اجراء و رزیده بقدر کفایت ندارند که بتوانند قانون بهتر از این برای شما بنویسند.

در این چند ماه که آقایان وزیر مالیه می آمدند اینجا و اظهار میکردند که اجازه پرداخت يك دوازدهم يك دوازدهم بدهید آقایان چه اظهاراتی میکردند؟ هنوز در ممالك دنیا يك دوازدهم معمول است در آنجا ها گاهی مجبور هستند متوسل شوند باین اصول که مخالف علم است.

مخالف عمل است و بلکه مضر بعمل است و علت اینکه باید جنبه عملی قضایا را همیشه در نظر گرفت بنده با وجود اینکه این عرایضی را در کلیات کردم عرض کردم از این نظر جنبه عملی بنده ناگزیرم که از این بودجه دفاع کنم و موافق شوم و رای بدهم و امیدوارم که آقایان هم با نظر بنده موافق باشند.

آقایان خیلی بطور سهل و ساده میفرمایند خوب است بودجه را رد کنند بپرند در بیست و چهار ساعت در چهل و هشت ساعت اصلاح کنند و بیاورند.

البته با دلائلی که ذکر کردم این مسئله غیر مقدور است.

بودجه را اگر بخواهند اصلاح کنند باز هم همین است.

چرا اگر مقدور و میسر بود میکردند ولی نشده است نسبت به حسن نیت دولت و وزارت مالیه و کمیسیون بودجه هم ایداً اعتراضی و ایرادی نیست.

البته اگر میتوانستند میکردند و برای آنها هم تازه اسباب افتخار بود که بکنند.

میفرمایند رد بکنیم خوب رد کردیم آنوقت چه جانشین آن خواهد کرد؟

فردا که آقای وزیر مالیه يك لایحه بیاورند برای يك دوازدهم عرق اجازه بخواهند بنده جداً مخالف خواهم بود.

زیرا بطوری که رئیس کمیسیون اظهار فرمودند خود ما هم فرداً فرد ممکن است اطلاع داشته باشیم این مسئله بضرر دولت تمام خواهد شد و اگر چنین بودجه را پنجاه قبل آورده بودند از نقطه نظر جمع و خرج برفع دولت بود در صورتی که لایحه يك دوازدهم مطابق اعتبارات سنه ماضیه بضرر دولت تمام میشود.

پس این را که گمان نمیکنم اکثر آقایان تصویب کنند که این بودجه برود و يك دوازدهم بیایند.

پس خواهید فرمود که يك دوازدهم هم نیاید و بروند بودجه را درست کنند و بیاورند این هم یکی دو ماه طول میکشد رد کردن بودجه یعنی چه؟

معنی رد کردن بودجه از مجلس شورای ملی که میخواهند حکومت در جمع و خرج داشته باشد و این از وظایف عمده افسراد نمایندگان است.

این است که از فردا دولت باید نه مالیاتی بگیرد و نه مخارجی بکند و اگر بکنند خلاف قانون رفتار کرده و آن وقت فردا سرحدات ما برای عمل مال التجاره قاچاق باز میشود.

اگر بودجه رد شود يك تحصیلدار مالیه حق ندارد اسم خود را پای يك ورقه امضاء نموده و برود از مؤدیان مالیاتی مالیات بگیرد و هر كس چنین کاری بکند خودش شخصاً مسؤول عمل خودش است.

همچنین آن کسی که مالیات میدهد اگر بشنود که مجلس بودجه مملکت را تصویب نکرده است وقتی که بیایند از او مالیات بگیرند نباید بدهد.

در همین طهران اگر ببینند بودجه را رد کرده اند در دروازه ها فلان عوارضی که مردم باید بدهند نمیدهند و اگر آنها را بگیرند حبس و مجازات کنند چه خواهد کرد؟

البته وقتی شما در يك مملکتی قانون بودجه را رد کردید تمام چرخ های مملکت باید از گردش بیفتند و دیگر هیچکس نباید يك دینار بگیرد یا بدهد مالیه و خزانه داری باید در صندوق های خودش را ببندد و دیناری به هیچکس ندهد.

رد کردن بودجه در ممالك متمدنه معنایش این است و این ترتیب يك عواقب وخیمی دارد و در هیچ جای دنیا بر جاهائی که بودجه متداول است دیده نشده است که يك مجلسی بودجه را رد کرده باشند و اینكه نسبت بآن بودجه اعتراضات داشته یا از نقطه نظر سیاسی بخواهند دولت را در مضیقه بگذارند.

مع ذلك در هیچ جای دنیا تاریخ نشان نمیدهد که يك بودجه را يك مجلسی بکلی رد کرده باشد.

شروانی اینطور نیست.

محمود ولی میرزا اگر اینطور نیست خواهید فرمود در کجا چنین موضوعی انجام گرفته است.

بنده با وجود اظهار موافقت باز ممکن است با بعضی از آقایان مخالفین شریک باشم در اقلامی که در جمع و خرج نوشته شده و بنده بیشتر نقطه نظر و توجه خود را معطوف باقلام جمع میکنم.

هلتش این است که اقلانی که در جمع نوشته شده متوجه اکثریت تام اهالی این مملکت است برای اینکه این بیست و سه میلیون از چندین کرور اهالی این مملکت گرفته میشود و در تحت چند قلم بمخارج چندین هزار نفر میرسد و از این نقطه نظر است که بنده بیشتر تر کرانی که میخواهم بدهم متوجه باقلام جمع میکنم.

بعضی از آقایان در قسمت اول مالیات مستقیم يك اظهاراتی فرمودند.

رئیس (خطاب بمحمد ولی میرزا) همه کافی نیست میل دارید تنفس داده شود بعد از تنفس اظهارات خود را بفرمایند.

محمود ولی میرزا بسیار خوب دیگر عرضی ندارم.

رئیس چون عده کافی نیست تنفس داده میشود و شاهزاده بقیه اظهارات خود را بعد از تنفس میفرمایند.

(در این مرقه جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس آقای محمود ولی میرزا (اجازه)

(آقای محمود ولی میرزا در محل نطق حاضر شدند ولی عده برای مذاکره کافی نبود)

رئیس عده کافی نیست آقایان هم که تشریف نمی آورند میرویم تاعده کافی شود.

(در این موقع آقای رئیس از مجلس خارج شدند و پس از يك ربع ثالثاً جلسه تشکیل شد)

رئیس آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمود ولی میرزا راجع باقلام جمع بنده عرایضی عرض کردم و با وجود اینکه بنده موافق و مدارك و دلائل خود را بقد

کفایت بعرض آقایان رساندم ولی ممکن است در بعضی قسمت های آن با بعضی از آقایان که در اساس بودجه مخالفت کردند بنده موافقت کنم و يك تذکره ای که لازم است بعرض برسانم که آقایان آنها را در مد نظر بگیرند.

مخصوصاً آقای وزیر مالیه و بطوری که در کلیات عرض کردم در اینجا هم عرض می کنم.

در قسمت مالیات مستقیم یعنی سه میلیون و هفت صد و بیست و پنج هزار تومان يك قسمت از اظهاراتی را که مخالفین نمودند این بود که این مالیات البته يك جزء جمعی دارد و يك تقسیماتی هم نسبت باین سه میلیون شده است.

خوب بوده در اینجا کمیسیون بودجه و وزارت مالیه پیش نهادی را که در این قسمت کرده اند متکی می نمودند بآن قسمت هائی که تا رای مجلس آنها را که قابل اجراء کرده کرده است.

باعمل و آن قسمت هائی را که مجلس بخصوص رای داده است و قانونیت پیدا کرده است.

و آنها را که ادا در این سنوات عمل شده است از هم تفکیک می کردند و بجزء صورت می دادند.

بنده هم اصولاً با اظهارات آقایان موافق ولی این قسمت را همان طور که عرض کردم چون تهیه آن بودجه آرزویی و آمالی میسر و مقدور نیست حالا که مقدور نیست باید در عمل آن قسمت عملی را بیشتر تحت مذاقه خود قرار داده و کاری بکنیم که در آتیه يك چیزی شبیه بودجه داشته باشیم.

چون بودجه پیش بینی عواید و مخارج است بیشتر اشکال تهیه بودجه در این مملکت از نقطه نظر این است که قسمت اعظم این سه میلیون و هفت صد و بیست و پنج هزار تومان از تسعیر جنس حاصل شده است و دولت مطابق جزء جمع و مطابق وصولی سنه ماضیه تقریباً دارای صد و هشتاد هزار خروار یادوست هزار خروار مالیات جنس است و باید این جنس را تسعیر کنند تا در اینجا قادر باشد که بگوید مالیات مستقیم تسعیر جنس است.

بنده معتقدم که تا این مملکت قادر نشده است اصول مالیات جنسی را بپر هم بزند ممکن نیست يك بودجه که تمام این شرایط در آن جمع باشد برای این مملکت تهیه نمود.

چرا مقدور نخواهد بود؟ برای اینکه خود بنده در دوره چهارم در کمیسیون بودجه عضویت داشتم.

بودجه که بکمیسیون آمد آنجا پیش بینی کرده بودند که دویست هزار خروار

جنس وصولی ماست و این را از قرار خرواری هشت تومان بانه تومان تسعیر میکنیم بعد اتفاقاً و این اتفاق هم اکثر اوقات میشود نه اینکه چیز نادری باشد خرواری هشت تومان پیش بینی کرده بودند و این میزان را برای تمام نقاط ایران یعنی آذربایجان و سیستان و اطراف تهران و تمام نقاط ایران روی هم تصور کرده بودند.

ولی این میزان در عمل تغییر کرد و اختیار آن نه دست دولت است و نه دست مجلس است بلکه يك مسئله قانونی عرضه و تقاضا و قانون اقتصادی است.

از قبیل اینکه مشتری زیاد است و آفات کمتر اتفاق می افتد یا در بعضی قسمتها جنس ترقی یا تنزل میکند.

مسئله تسعیر جنس از مسائل اولی است که در اخذ مالیات غیر عملی است و هیچ قابل پیش بینی نیست و تمام ممالک متدنه دنیا هم در بدو امر یعنی در چند صد سال قبل دارای مالیات جنسی بودند بالاخره در تحت احتیاجات و پیش آمدها و ترقیاتی که ممالک کردند ناچار شدند مالیات جنسی را بالمره حذف و اصولی برقرار کردند که امروز متداول و معمول به است.

ولی ما هنوز بآن پایه باقی مانده ایم و تا در جزء مالیاتهای ما قسمت اعظمش مالیات جنسی باشد بنده عرض می کنم پیش بینی عواید و مخارج غلط و غیر قابل اجراء است.

هیچکس هم قادر نیست پیش بینی کند و این ایراد نه بر روزی و نه بر مستشار وارد است و از مسائلی است که مکرر عرض کردم.

در مسئله لایحه مالیات تصاعدی هم عرض کردم که این قصور از خود ماست و چنانکه اینجا گفته میشود اگر ما راجع به همین قلم عایدات و مخارج را بسنجیم و موازنه کنیم می بینیم هیچ موازنه ندارد و برای وصول چند میلیون چند کروم مصرف میشود و باین اش صدی سی یا صدی چهل میرسد.

این برای اینست که طرز وصول مالیاتها طور است که مخارجش زیاد می شود و مصارفش را برابری با عوایدش نمی کند در هر یکی از ممالک دیگر هم این اصل را ایضا کنند یعنی مالیات را بطوری که ما وصول میکنیم وصول نمایند آنها هم مبتلا به همین درد می شوند و بالاخره از فکر منور و عالم آنها هیچ علاج و چاره پیدا نخواهد شد.

زیرا این اصول غلط است و وقتی که در اصول غلط چهارهنگام آن مشکل می شود و اینکه می فرمایند تمام اصلاحات در ضمن بودجه باید بشود باینک رای این اصلاح اساسی را بنمایند؟

خیر چرا ممکن نیست برای اینکه شما تا يك قانونی جانشین آن قرار ندهید

امکان نخواهد داشت و باید شالایحه ممیزی را بگذرانید و بدهید دست دولت و حکم کنید اجراء کند آنوقت هر اصلاحی دارید در آن لایحه ممیزی بکنید و تا آن لایحه ممیزی اصلاح نشود آن مشکلی را که بنده عرض کردم غیر قابل علاج است و نباید در آن بحث بشود.

از این قسمت هم که صرف نظر کنیم ایرادات دیگری که آقایان می گیرند این است که بعضی از اقلام مالیاتی در همین قسمت مالیات مستقیم تصویب مجلس رسیده است و بعضی هم سابقه عمل دارد.

در قوی ثیل ۱۳۲۵ در آنوقت يك جمع و خرجی برای مملکت نوشته می شود و مکرر در مسئله مستمریات و شهریه ها بهمان قوی ثیل مراجعاتی شده است.

در آن تاریخ يك دستور العملی برای مالیات های نوشته شده است و گویا این دستور العمل هم آمد بآن کمیسیون که در آن تاریخ بود.

حالا کمیسیون قوانین مالیه یابودجه بوده است بنده اطلاعات کاملی از آن تاریخ ندارم.

ولی چیزی که مسلم است این است که يك چیزی نوشته شد و روی کاغذ آمد و آمد بمجلس آن دوره و بمجلس در آن صورت يك تعدیلی کرد من جمله اقلامی بود بعنوان تخفیف و یکی از مسائل عمده که ما به اختلاف بین مودیان مالیاتی و مأمورین دولت است همین مسئله تخفیف است.

چندین قسم تخفیف داریم: تخفیفات موضوعه از حشو جمع و تخفیفات دستور العملی و تخفیفات ممیزی که می شود شبیه کرد به تخفیفات ممیزی امروزه که می روند يك جانی را ممیزی میکنند و بواسطه آفات و خرابی های عمده بطوریکه در قانون ممیزی هم پیش بینی شده است در آن موارد خاص يك تخفیفاتی میدهند.

در آن تاریخ هم اگر چه قانون نبوده است ولی باز يك طریق عملی بوده و يك تخفیفاتی در آن تاریخ داده شده است.

امروز همان تخفیفاتی که در قوی ثیل جزء دستور العمل آمده است و بمجلس با کمیسیون يك صورت رسمی بآن داده است و دستور العمل عمل کرد مالیه شده است با وجود این امروز مالیه آنها را معتبر و محترم نمی دانند و يك قسمت های عمده را بنده خود اطلاع دارم که مالیه در صدور وصول آنها بر می آید و اگر ما رجوع به دوسیه های وزارت مالیه بشود می بینید که اختلافاتی که بین امانای مالیه و مردم است این قسم تخفیفات است.

مردم میگویند که در قوی ثیل این تخفیفات تصویب شده است و جزء دستور

چيست؟

مالیاتهای غیر مستقیم است که در قضایات و قراء برخلاف قانونی که در ۱۳۲۸ از تصویب مجلس گذشته است می گیرند و در آن قانون راجع مالیات ها و عوارض غیر مستقیم يك تصریحاتی داشت که در همین دوره از برای شهر تهران آن را سابق ملتی شد و بنده يك ترتیب جدیدی در تهران اخذ مالیات بشود.

مخصوصاً راجع به عوارض ورودی بلی بود که در این قانون قید کردیم سایر بلاد همان قانون ۱۳۲۸ مجری باشد.

ولی متأسفانه این مسئله عمل نشد است یعنی نه فقط در شهرها آنرا عمل می کنند بلکه بهدات و قضایات هم توسعه می دهند و مشخص قصبه و ده هم با امین مال و تصصیل از محل است و هیچ معلوم نیست که این از روی چه سابقه است.

سابق بر این ممکن بود قصبه را از يك دهی وزارت داخله یا حکام محل به يك ترتیبی تشخیص بدهند امروز این اصل را واگذار کرده اند باراده تحصیل ارا مال و میگویند چون این جا دارای دوسه خانوار یا پانصد خانوار است باید مثل قصبات و شهر مالیات های غیر مستقیم را بدهند.

باین جهت است که بنده عرض میکنم حق را نمیتوان کتمان کرد و البته باید با حرف حق شرکت کرد.

بعضی از نمایندگان (با همهمه) شما مخالفید؟

محمد ولی میرزا - خیر بطور تذکر عرض میکنم که آقای وزیر مالیه اصلاح بفرمایند راجع بمسئله خانواری مکرر در اطراف آن در این جا اظهاراتی شده.

این يك مسئله است که اگر از خود وزیر مالیه بنده توضیح بخواهم گمان می کنم که مشكل بتواند جواب بدهند.

يك نفر از نمایندگان - باز هم بطور مخالفت صحبت میکنید.

محمد ولی میرزا - خیر مسئله خانواری يك مسئله خیلی مهمی است و با بودجه لیکن يك مسائلی هست که حق است و نمی شود آنها را کتمان کرد.

مکرر گفته شده است که این مالیاتهای غیر مستقیم يك عوایدی است که کش دار است.

مثلاً آلان سه میلیون خورده تومان پیش بینی کرده اند ممکن است اگر آنرا وزارت مالیه کش بدهد يك میلیون دیگر هم بر این سه میلیون و خورده علاوه کند و در يك موقعی بواسطه شکایت اهالی در بعضی موارد خاص بنده ناچار شدم که رسماً بنالیه محل نوشتم - این مالیات های اضافی چیست؟

يك نفر از نمایندگان - این طور نیست.

محمود ولی میرزا - بنده از طرف خود و گمان می کنم آقای وزیر مالیه هم بامن مساعد باشند که بگویم اینطور هست و این خانواری که گفته میشود اصلاحی است که در مالیه هست و بعنوان محل نظام است که جزء اصل مالیات است.

در سابق وقتی که از برای پیشه سر باز میکردند (این سر بازی که الان ما دیدیم از روی چیزی است) آمدند مالیاتی برقرار کردند آن وقت از هر صد تومان دوازده تومان بادر بعضی جاهای بجهده تومان برای آن يك سر باز برقرار کردند و این نقطه نظر است که عرض کردم جزء اصل مالیات است.

اینکه آقای مخبر توضیح دادند باسم استرضائی و یاد ازان بنده عرض میکنم در هرجائی يك اسمی معروف است.

مثلاً در آذربایجان باسم خانواری موسوم است و آنچه که امروز گرفته میشود برخلاف قانون است و نباید بجمع بیاید و گمان میکنم بجمع هم نیامده باشد بهات آنکه اگر میخواستند جمع کنند مبلغ آن هفتاد هزار تومان نمیشود و تقریباً بالغ بر دو کرد تومان می شود.

امیر احتشام - جمعی هفتاد هزار تومان است.

محمد ولی میرزا - خیر هفتاد هزار تومان خیلی بیشتر است و در واقع خواسته اند آن قسمت هایی را که جزء اصل مالیات عمل میشده است بنویسند و آن قسمت هایی که امروز برخلاف قانون میکنند.

يكی از مسائل مهمی هم که بنده در تریف و تفسیر بودجه عرض کردم این است که یکی از صفات خاص بودجه این است که باید اقلام آن صادقانه باشد و بطوری که خود آقای وزیر مالیه توضیح دادند باید گول زدن در کار نباشد و نباید سعی کرد که در آن صفحه آخر جمع و خرج را زورکی موازنه دارد و آورد اینجا و آورد آنجا و تحسین قرارداد و الحده و لایه این بودجه موازنه کامل دارد باید حتی الامکان سعی کرد که اقلام بودجه صادقانه باشد و از روی حقیقت بجمع و خرج آمده باشد.

بنده مقایسه میکنم با سته تنگ و ژیل که پیش بینی هائی شده بوده است و بعد هم يك سته گذشته است که عمل شده است و يك لایحه ترغیب مخارج بمجلس آمد وقتی که بآن لایحه ترغیب بودجه مقایسه میکنم می بینم اقلامی که اینجا پیش بینی شده است از این نقطه نظر خیلی مراعات شده است و تمام نکات و چیزهائی را که ممکن است موازنه جمع و خرج را بهم بزنند متوجه بوده اند و در خیلی قلمها که در جمع نوشته اند تعدیل کرده اند و در واقع يك میزان

اعتدالی قائل شده اند و گمان میکنم در موقع عمل هم اگر عمل بکنند عایداتشان در آخر سال بیش از این خواهد بود.

در مخارج هم آن چیزهائی را که نوشته اند تجاوز نخواهد کرد.

این است که امیدواری حاصل است که موازنه کامل پیدا بشود بنكه يك مازاد و فاضل جمعی هم داشته باشیم (در جمع عرض میکنم) در اینجا راجع براه آهن پیش بینی نشده است دویست و چهل و هشت هزار تومان - در این قسمت هم بنده يك عرض میکنم - مسئله کشتی رانی راه آهن يکی از منابعی است که ممکن است عوایدش خیلی بیشتر باشد و اینجا كم نوشته شده است.

ضیاء الواعظین - شما که مخالف هستید!

محمد ولی میرزا - آنروز آقای ندین فرمودند که شما دائماً مزاحم هستید توجه بفرمایید بعد تشریف ببر و در اینجا هر چه میخواهید بفرمایید.

شیروانی - بنده اخطار نظامنامه دارم.

رئیس - بفرمایید.

شیروانی - ایشان مخالفت می کنند با بودجه و برخلاف قانون از موقع موافقت استفاده کردند.

محمد ولی میرزا در این قلم اگر يك قدری بیشتر توجه شوند باینكه يك مصارف ضروری بشود عایدات این قلم بیشتر میشود در مسئله جمع بنده عرض کردم با این بودجه موافق هستم و ضمناً تذکرات خود را میدهم این است که در مسئله در يك خرج هم قسمت هائی که آقایان مخالفت کردند بنده مخصوصاً موافقم و آن راجع به خارج انتقاعی است.

ياسانی - ماده دوم مطرح نیست.

محمد ولی میرزا - يك ماده نوشته شده است.

رئیس - خبر ماده اول تجزیه شد و خرج جزء ماده دوم شده است.

محمد ولی میرزا - پس در موقعش بنده عرضی خودم راعرض میکنم.

ضیاء الواعظین - بنده موافق ماده صد و نه عرض دارم.

رئیس - بفرمایید.

ضیاء الواعظین - بالای هر مقام يك مقام دیگر است. همانطور که در فوق دولت و فوق ریاست وزراء البته در مملکت مشروطه مقامی هست که اسمش مجلس شورای ملی است همینطور هم فوق این مقام يك مقام دیگری هست که اسمش قضاوت عامه است.

حالا ما يك روزنامه که نطق آقایان را درج کند نداریم و حالا آنکه در قانون

اساسی مصرح است و در بسیاری از مواد تصریح میکنند بجای خودش ولی هیچ حرفی هیچ کلمه ممکن نیست از گوش مردم دور بماند و مردم نشنوند و قضاوت نکنند.

اگر امروز هم مردم سعی نکنند و استفسار نکنند و استصفا نکنند باین اوراق و دفترهائی که آقایان تذکره نویس همانند یک دفتر مؤبد، يك دفتر مغلده، يك دفترى که تا خدا خدائی میکند باقیست و آن دفتر قضایا را نفس کشیدن هارا - کلمات را بگوش دنیا میرساند و قضاوت میکنند.

مطابق ماده صد و نه که میگوید: اگر در ضمن مباحثات و نطق افراد تهمت يکی از نمایندگان زده شود یا عقیده و اظهار او برخلاف واقع جلوه داده شود و نماینده مذکور برای تبرئه و رفع اشتباه اجازة نطق بخواهد بدون رعایت نوبت اجازه داده خواهد شد.

مطابق این ماده بنده عرض میکنم که يك شاهزاده آمد اینجا و گفت من موافقم ایستاد و دو ساعت صحبت کرد همانطور که غالب آقایان تصدیق میکنند در ضمن موافقت چه قلم های درشتی را بنام موافقت مخالفت کرد (بعضی از نمایندگان - صحیح - است) تذکر بدولت داد، بوزارت مالیه داد: بوزارت عدلیه داد، بسایر ادارات و اعضاء جزء و نسبت بقرآء و قضایات و جاهای دیگر تذکر داد.

فقط بنده گفتم صبر کنید حالا که مخالفید يك نفر موافق حرف بزند بعد دو مرتبه صحبت کنید. بنده فرمایش ایشان را با فکار سالم و با يك آقایان رجوع می کنم.

رئیس. آقای محمد ولی میرزا فقط در اواخر نطقشان يك قدری از طریق موافقت خارج شدند و از نوبت خود استفاده کردند و اینجا خود آقایان هم متذکر شدند ولی این ماده را که فرمودید مربوط باین موضوع نبود.

ضیاء الواعظین - بنده هم استفاده کردم.

رئیس - خوب بعد از این لفظ استفاده را باید در نظامنامه نوشت.

محمد ولی میرزا - بنده هم اجازه می خواهم.

رئیس - در چه قسمت؟

محمد ولی میرزا - در تعقیب اظهارات آقای ضیاء الواعظین است اگر اظهارات ایشان در روی این ماده بوده است از بنده هم در تعقیب همین ماده است.

رئیس - پس سرکار والا استفاده نکنید.

محمد ولی میرزا - ایشان سوء استفاده کردند.

رئیس - سرکار والا استفاده نکنید دو فقره پیش نهاد رسیده است قرائت می شود.

محمد ولی میرزا - سوء استفاده کردند.

رئیس - سرکار والا استفاده نکنید دو فقره پیش نهاد رسیده است قرائت می شود.

محمد ولی میرزا - سوء استفاده کردند.

(بعضیون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که مذاکرات کافی است. بمقتضای سلطنت.

ما امضا کنندگان ذیل پیشنهاد میکنیم که ماده اول راجع به عایدات بکمیسیون بودجه برگردد تا مالیاتهای غیر قانونی و بیوردی که اسباب زحمت شده از جمع موضوع گردد.

مدرس - سید حسن اجاق - سید حسن - زعیب - صوات السلطنته - امیر حشمت - فتح الله - صادق اکبر - دست غیب - صادق السلطنته - کازرونی - عبدالوهاب الرضوی - رئیس - گمان میکنم پیشنهاد اخیر بر پیشنهاد اولی مقدم باشد.

آقای مدرس (اجازه)

مدرس - در حقیقت بنده در کلیات اجازه خواسته بودم. اگر اجازه میدادید شاید خیلی مذاکرات نمیشد. در این ماده هم اجازه خواستم گویا نه شبیه و هفت شبیه قبل از این اجازه گرفته بودند و نوبت بن نرسید مجبور شدم که این پیشنهاد را امضاء کنم تا اجمالاً عرض کنم که این لایحه متعلق به ایداست سی و يك قلم است و سه قسمت است. چهار قسمت است. بعقیده من سه قسمتش فلسفه هم دارد.

يكی مالیات مستقیم است که فلسفه دارد، حالا مأمورین درست اجراء نمی کنند دخلی بیودجه ندارد. يك قسمت هم غیر مستقیم است که در حقیقت يك قسمتش مالیات بر عایدات است و يك قسمتش مالیات بر خرج است. آنهم در مرحله خودش يك فلسفه دارد خصوصاً بمقتضای زمان ما.

يك قسمتش هم کاسبی است که از راهها میگیرند و بست و تلگراف است که در واقع کسب است.

(این را هم اجمالاً عرض می کنم که اگر قدری از آنچه میزان توضیح است زیاد شود آقایان تنقید نفرمایند) این سه قسمت است.

حالا آقایان می فرمایند مأمورین درست اجراء میکنند یا نمی کنند مسئله دیگری است و در بعضی بیودجه ندارد ولی يك قسمتش بعقیده من بی فلسفه است و کار بی فلسفه در دنیا خیلی واقع میشود.

اما چون مجلس شورای ملی علاوه بر اینکه مجلس شورای ملی است و بمنزله سی کرور نفس ملت است يك صفتی هم دارد که رویش گذارده اند و اگر آن روز من بودم شاید موافق نبودم که این اسم را رویش بگذارند و آن مجلس مقدس است.

من دوست ندارم که از مجلس مقدس يك رأی داده شود در يك مالیات هائی که سابقه تصویبش ندارد و بشرط قانونی هم سیر نکرده است و بیاورند از ما رأی بگیرند و

اما چون مجلس شورای ملی علاوه بر اینکه مجلس شورای ملی است و بمنزله سی کرور نفس ملت است يك صفتی هم دارد که رویش گذارده اند و اگر آن روز من بودم شاید موافق نبودم که این اسم را رویش بگذارند و آن مجلس مقدس است.

من دوست ندارم که از مجلس مقدس يك رأی داده شود در يك مالیات هائی که سابقه تصویبش ندارد و بشرط قانونی هم سیر نکرده است و بیاورند از ما رأی بگیرند و

اما چون مجلس شورای ملی علاوه بر اینکه مجلس شورای ملی است و بمنزله سی کرور نفس ملت است يك صفتی هم دارد که رویش گذارده اند و اگر آن روز من بودم شاید موافق نبودم که این اسم را رویش بگذارند و آن مجلس مقدس است.

هفت هشت تا از این مالیاتها را بنده جزء این لایحه میبینم.

لذا تقاضا می کنم که اینها را تجزیه کنند شاید باقی آنها را بنده هم رأی بدهم یا اینکه قبول بفرمایند.

آقایان اعضاء کمیسیون امروز فردا بر گردد بکمیسیون بودجه بنده هم (با وجود اینکه از آقای رئیس کمیسیون تقاضا کردم که چند روزی استعفا کرده باشم)

(مغیر- قبول نشد.)
حالا که می فرمایند قبول نشده است) در کمیسیون حاضر می شوم و در خصوص این هفت هشت قلم عریضی می کنم؛ یا قبول میشود یا نمی شود.

این بود که تقاضا کردم خصوص این ماده برگردد بکمیسیون اما باقی موادش مذاکره شود و رأی گرفته شود.

دولت اگر تقصیر کرده است که بودجه را یاد سال نیاورده است ما هم تقصیر کرده ایم.

بودجه اول چیز است که روزی که مجلس منعقد می شود باید مقدم بر همه چیز باشد و این مسئله از قضایائی است که نشده حالا تقصیر ماست یا تقصیر کس دیگری است که همزمان را خرج کارهای دیگر کرده ایم.

هفده ام اینست که ببودجه باید برای داد و هر چه زود تمام کرد ولیکن من تقدس مجلس شورای ملی را مقدم میدارم بر اینکه چند فقره مالیات بدون سیر قانونی رأی داده شود بنده گمان میکنم اگر مالیات جدیدی می خواهند وضع کنند باید پیشنهاد به مجلس شود بیاورند مجلس سیر قانونیش را بنماید و این چند فقره مالیات این سیر را نکرده است و در ضمن بودجه می خواهند ماری بگیرند و بنده مخالفم.

رئیس- آقای سهام السلطان- مخالف پیش نهاد هستید؟
سهام السلطان- بلی.
رئیس- بفرمائید.

سهام السلطان- عرض می کنم اینجا آقای مدرس تقسیم فرمودند اقلامی را که در جمع نوشته شده و بعد بطور اجمال فرمودند که با چند فقره از این اقلام مخالفتند.

کمیسیون بودجه هم البته بطوری که آقایان تذکره دادند در نظر داشته است که بعضی از اقلامی که نوشته شده است سیر قانونی نکرده است ولی در این سنوات بعضی از اقلام عملی و موقع اجراء گذارده شده است.

و امروز اگر چنانچه کمیسیون بخواهد آنها را رد بکند يك گیرهائی پیدا میکند زیرا دولت برای مخارج چهار يك عبرت سختی می شود و اگر قبول کنند البته يك تصدیق ضمنی است از برای يك مالیاتهای که در مجلس وضع نشده.

بنابر این بنده متقدم این اقلام را

همانطور که اظهار فرمودند برای اینکه کمیسیون از نظر مجلسین بیشتر اطلاع پیدا کند این اقلام جمع را یکی یکی هر کسی در هر قسمتش مخالف است پیشنهاد کند و نظریه مجلس معلوم شود تا کمیسیون بتواند تصمیم قطعی اتخاذ کند والا تا نظر مجلس در این اقلام معین نشده باشد از برای کمیسیون مشکلاتی تولید می شود زیرا همانطور که فرمودند سی قلم چهل قلم هست و کمیسیون نمی داند نظرا اکثریت مجلس با کدام يك موافق و با کدام يك مخالف است و ممکن است در کمیسیون يك نظری گرفته شود که در حقیقت برخلاف نظریه اکثریت مجلس باشد.

پس این مسئله بعقیده من اگر در مجلس روشن شود هم عمل را سهلتر میکند و هم کمیسیون می تواند از روی نظر مجلس يك صورتی بدهد باین لایحه که زودتر از مجلس بگذرد.

اینست که بنده متقدم همانطور که مطرح است در موافق مذاکره می شود تا کمیسیون موافق آن رفتار کند و آنوقت آن اقلام را يك صورتی بدهد.

رئیس- آقای مغیر چه میفرمایند؟
مغیر- خود حضرت آقای مدرس همانطور که فرمودند عضو کمیسیون بودند و تا چند روز قبل که کسالت نداشتند در جلسات کمیسیون تشریف می آوردند اشکالاتی را که در این مسئله موجود است.

خود آقای تصور میکنم مثل سایر اعضاء و بلکه بهتر سبقت

در مدتی هم که در کمیسیون تشریف داشتند اگر مشکلاتی در نظرشان پیدا میشد میفرمودند و موقع عمل گذارده می شد حالا بنده از آن مبدء مشکلاتی را که کمیسیون داشته است.

ثانیاً در اینجا تکرار کنیم و گمان نمی کنم اگر بودجه برگردد بکمیسیون بودجه کمیسیون رأی دیگری غیر از این رأی که اتخاذ کرده است بتواند در نظر بگیرد.

رئیس- بنده که در نظامنامه ماده نمی بینم که از روی آن ماده بتوانیم رأی بگیریم.

ماده سراغ دارید که از روی آن بتوانیم رأی بگیریم؟

تدین- اگر برگردد تمام باید برگردد.

شیروانی- در مجلس سابقه دارد.
رئیس- می خواهید بنده رأی بگیریم ولی ماده بنده ندیدم که مطابق آن بتوان رأی گرفت.

آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب- همان وقتی که بنا شد سابقه ها را (یعنی بعد هم که سابقه را لغو کردند) اینطور سابقه ها بوده است در مجلس و پیشنهاد میکردند که این لایحه یا

این طرح برگردد بکمیسیون آنوقت مقام ریاست هم رأی می گرفتند و بر میگشت بکمیسیون به علاوه در نظامنامه ماده که دلالت صریح بر این داشته باشد که ممکن نیست این لایحه برگردد بکمیسیون ندارد و گمان می کنم سابقه مجلس از روی این بوده است که راجع بدستور هر نماینده می تواند پیشنهاد کند که این ماده را از دستور خارج کنند و برگردد بکمیسیون حالا برگردد باین ماده که يك نفر وکیل پیشنهاد کند که از دستور خارج شود برگردد بکمیسیون همینطور يك لایحه که بکلیاتش هم رأی داده شده بود بعد يك ماده آنرا يك نفر وکیل پیشنهاد می کرد که برگردد بکمیسیون و بر می گشت اینست نظریه بنده سابقه هم دارد.

رئیس- ارجاع بکمیسیون وقتی بود که اصلاحی پیشنهاد می شد بموجب ماده ۶۲ و ۶۳ بعضی اوقات هم که می فرمائید تقاضا شده بود از دستور خارج شود تقاضای خروج از دستور و رأی تقاضای ارجاع بکمیسیون است.

در ضمن پیشنهاد تکلیف برای کمیسیون معین کردن چون در ضمن این پیشنهاد يك تکلیفی برای کمیسیون بودجه معین میکند.

صلاح می دانید ظهر است جلسه را ختم کنیم تا در جلسه آتی در این باب فکری کنید.

شیروانی- بنده مخالفم با ختم جلسه.

رئیس- بفرمائید.

شیروانی- در جلسه اسبق راجع به اوقات مجلس صحبت شد.
اغلب آقایان خیلی دلسوزی کردند که مجلس کم کاری کند يك عده هم هم پیش نهاد کردند که مجلس عصر باشد که دامنه وقت وسیع باشد.

الان ظهر است تقریباً دو ساعت مجلس کار کرده است دو نفر ناطق حرف زده اند الان مجلس ختم میشود و به همین طریق دو ماه طول میکشد تا تکلیف این بودجه معلوم شود.

در آنروز بنده پیشنهاد کردم تا دو بعد از ظهر مجلس ادامه داشته باشد آقای شیخ الرئیس مخالفت کردند حالا بنده متقدم که اقلاً تا دو بعد از ظهر صحبت کنم.

رئیس- آقایانی که مذاکرات در بودجه را برای امروز کافی می دانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد.
آقای مدبر الملک (اجازه)

مدبر الملک- رقیب محترم بنده آقای

شیروانی در حین نطقشان که راجع بخلاف با بودجه بود نسبی باین مالیات کرمان دادند که نود هزار تومان در این مأموریت اختلاس کرده.

از آنجائی که بنده امین مالیات فنی کرمان را یکی از جوانهای شرافتمندی دانم که در وزارت مالیات سابقه درستی خدمت دارد که حقیقتاً اگر رجوع بدوسیه او شود معلوم خواهد شد که در این مدت وزارت مالیات توانسته است از این مأمور لایق ایرانی بگیرد.

بنا بر این بنده می خواهم عرض کنم که اگر حقیقتاً این امر صحت دارد خوش آقای معاون وزارت مالیات که تشریف دارند تصدیق بفرمایند ایشان را احضار کنند محاکمه و منفصل کنند والا اگر صحت ندارد توضیح بدهند که ما در ضمن نطق هائی که می کنیم شرافت يك نفر جوان شرافتمند را پای مال نکرده باشیم.

رئیس- آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی- بنده بطور خاطر جمع نگفتم بنده گفتم در روزنامه يك همچو چیزی دیدم و از ناحیه

دولت هم خبر داده شده بود زیرا مغیرین رسمی جراند خبر میدهند که آقای کمال الوزاره مفتش مالیات کرمان اطلاع میدهد که امین مالیات آنجا نود هزار تومان اختلاس کرده است.

بنده هم این خبر را در پشت تربیون گفتم اگر چنین چیزی نیست یک نفر وکیل تصور نمی کنم بتواند تکذیب بکند دولت خودش موظف است تکذیب بکند و تکذیب خودش هم البته رسمیت دارد.

معاون وزارت مالیات- راجع

باین مسئله اظهاراتی در آنجا شده بود.

و ایجاب کرد که عده مفتشینی برای تفتیش کارهای او بکرمان رفتند و تفتیشاتی هم کرده اند و مفتشین هم مراجعت کرده اند و راپرتهای تقدیمی خود را تهیه کرده و برای رئیس کل مالیات فرستاده اند و با ادارات مربوط وزارت مالیات هم خواهد آمد ولی همچو عنوانی حیف و میل بود هزار تومان در وزارت مالیات نداریم.

رئیس- آقای دولت آبادی سؤالی از کفیل وزارت معارف داشتند.

يك نفر از نمایندگان- تشریف برده اند.

رئیس- آقای نظم الملک سؤالی داشتید؟

نظم الملک- تقریباً یک ماه قبل بنده سؤالی از وزارت مالیات و از وزارت خارجه تنظیم کرده و تقدیم مقام ریاست نمودم و از قرار معلوم از طرف مقام ریاست مدتی است بهر دو وزارتخانه ابلاغ شده اغلب روزها هم آقای وزیر مالیات و آقای معاون اینجا می آیند اگر برای جواب حاضرند سؤال خود را عرض کنم.

معاون وزارت مالیات- يك مقدار از سؤالاتی که از طرف نمایندگان شده و به وزارت مالیات فرستاده شده است يك جوابها و داداشتهائی برایش تهیه کردم و بنده مترصد و منتظرم که در عرض این یکی دو جلسه آن مقداری که تهیه شده است بعرض برسانم و امیدوارم جواب آقای عظیمی هم در ضمن آنها باشد.

رئیس- آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب- عرضی ندارم.
رئیس- شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس- بنده سؤالی داشتم از وزارت مالیات چون از اسبق مسبوق نبودند بایشان گفتم که بعد جواب بدهند.

رئیس- آقای عظیمی (اجازه)

عظیمی- عرضی ندارم.
رئیس- آقای شیروانی

شیروانی- بنده اجازه نخواسته بودم رئیس- آقای حاج میرزا عبدالوهاب

حاج میرزا عبدالوهاب- بنده هم سؤالی از وزارت مالیات کرده بودم میخواستم

ببینم برای جواب حاضرند یا خیر؟

رئیس- آقای آقامیرزا شهاب (اجازه)

آقامیرزا شهاب- بنده عرضی ندارم.
رئیس- آقای کازرونی

(اجازه)

کازرونی- بنده سؤالی داشتم از وزارت مالیات اجازه میفرمائید سؤال کنم و چندان هم مهم نیست و جواب اشکالی ندارد و اگر حاضر نداشتند باشند در جلسه دیگر جواب میدهند.

رئیس- بفرمائید.

کازرونی- يك قانونی که خیلی مفید بود در دوره چهارم گذشت و آن قانون البسه وطنی بود که حقیقه فوق العاده نافع بود و البته عملی شدن آن مربوط باین بود که دولت يك توجه تامی در اجرای موادش داشته باشد.

نظر باینکه بنده تصور میکنم وزارت مالیات یکدقت کاملی در چیزهائی که راجع به عواید است دارد و هیچ چیز را فرو گذار نمیکند و لو بتعبیر و تفسیر هم باشد بنده خواستم سؤال کنم از روزی که این قانون اجراء شده تا حالا چه مبلغی از مستخدمین گرفته اند اکثر مالیات در وزارتخانه ها رفته ایم و خود آقایان هم تصدیق میفرمایند که بسیاری از مستخدمین لباسهای وطنی نمی پوشند.

چون این راجع بعوائد است نباید کوتاهی شود و البته نفوس راجع بمملکت است که يك دیناری که راجع بالبسه وطنی بعنوان جریمه گرفته میشود مستلزم هزار تومان منفعت است جهت وطن ما خواستیم ببینیم آن مبلغ هنگفتی که بعنوان جریمه گرفته شده بفرمایند که بنده و سایر همکاران محترم خوشبخت باشیم

معاون وزارت مالیات- کویا در یکی دو جلسه قبل بود که آقای وکیل الملک نماینده محترم در این باب سؤالی فرمودند و بنده هم مختصر آعرض کردم و چیزی که باقی بود عرض کنم ارقام جریمه حاصله از آن بود و چنانچه در ضمن آن قسمتی که قبلاً عرض کردم آن ارقام تهیه میشود و بعرض خواهد شد.

بطور کلی منظور از تعقیب این قضیه که آقای کازرونی فرمودند تنها استحضار از مبلغ جریمه نیست بجهت اینکه این يك قانونی است که منظور همه هم هست و به همین نظر هم هست که ادارات مخصوصاً محکوم شده اند باین که مراقبت در این امر بکنند.

قبلاً هم بنده عرض کردم باغلب ولایات متحد المآلهای شدیدی داده شده است که مراقبت کنند و مفتش بسیار هم راجع باین قسمت دائماً مراقبت میکنند ولی اگر این مسئله در بدو امر کمیابتر اجراء نشده باید عرض بکنم که برای عدم اجراء هم يك عناوینی چه از ولایات یا در مرکز گاهی شنیده میشده است که آن عدم استطاعت اعضاء ادارات بوده است و در بدو امر تا اندازه که ضرورت داشته است این موضوع نسبت به شی از طبقات صاكت گذاشته شده است.

ولی حالیه مسئله در کمال خوبی در جریانست چه در ولایات و چه در مرکز و با تا کیدانی که شده است امیدواریم این قانون مفید بموقع اجراء گذارده شود و ارقام عایدی آنرا هم عرض کردم پس از اینکه جمع آوری شد خدمت آقایان عرض میکنم.

رئیس- آقای افشار (اجازه)

افشار- آقای معاون تشریف بردند رئیس- جلسه ختم میشود جلسه آتی به روز پنجشنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر، دستور هم خبر کمیسیون بودجه

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی- مؤتمن الملک منشی- علی اقبال الممالک

منشی- معظّم السلطان

جلسه هشتاد و ششم

صورت مشروح مجلس

یوم پنجشنبه پنجم برج

قوس ۱۳۰۳ مطابق بیست

و نهم ربیع الثانی ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید.

صورت مجلس یوم سه شنبه سوم قوس را آقای میرزا جواد خان قرائت نمودند.

رئیس- آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی- بنده قبل از دستور عرض دارم.

رئیس- آقای دست غیب (اجازه)